

# مفهوم‌شناسی و واکاوی تبیین مفهوم پلیس فرهنگی

مرتضی شاه‌مرادی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

## چکیده

هدف از پژوهش حاضر تبیین و مفهوم‌شناسی پلیس فرهنگی می‌باشد. پژوهش از نوع مطالعات مروری بوده که در آن با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی و تبیین مفهوم پلیس فرهنگی پرداخته شد. نتایج نشان داد ابعاد فرهنگ از منظر برخی صاحب‌نظران به دو بعد مادی و معنوی تقسیم شده است و برخی نیز فرهنگ را شامل ابعاد سه‌گانه ارزشی، مادی و قانونی می‌دانند. پلیس نیز به‌عنوان یکی از سازمان‌های تأثیرگذار در برقراری نظم و امنیت در جوامع مختلف جایگاه مهمی دارد. نتایج نشان داد که یک پلیس فرهنگی باید از تعامل و گفتگو با مردم گرفته تا زبان و قومیت‌های مختلف را به‌خوبی بشناسد و بتواند به نحو مناسبی رفتارهای فرهنگی را از خود بروز دهد که به این منظور در سازمان پلیس توجه به مواردی مانند شایسته‌سالاری، رسیدگی به وضعیت معیشت نیروها و توجه به مسایل مختلف مادی کارکنان و قانون‌گرایی نقش دارند.

**واژگان کلیدی:** پلیس فرهنگی، شاخص، نیروی انتظامی همدان، فرهنگ.

## مقدمه

رشد فرهنگی و اجتماعی به عوامل مختلفی بستگی دارد که وجود محیطی پویا، مشارکتی، امن و منظم در جامعه در این زمینه، می‌تواند کمک کننده باشد. برای ایجاد چنین محیطی، علاوه بر نقش مهم مردم و سازمان‌های مختلف، پلیس نیز نقش تعیین کننده‌ای دارد که همانند همه سازمان‌ها دارای اصول، قوانین، هنجارها و به‌طورکلی فرهنگ خاص خود می‌باشد که می‌توان آن را خرده فرهنگ خاص پلیس نامید. فرهنگ پلیس، ارزش‌ها، آداب و رسوم و باورهای پلیس را نشان می‌دهد و زندگی حرفه‌ای و فردی کارکنان پلیس را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در آغاز به کار سازمان، شاخصه‌های فرهنگی، بسیار متأثر از مفروضات بنیان‌گذاران سازمان می‌باشند. به عبارتی دیگر، در آغاز پیدایش سازمان، آنچه برای مدیران سازمان، هنجار ایده‌آل تلقی می‌شوند؛ به‌عنوان ارزش‌های کاری و فرهنگی قلمداد می‌شوند و جزئی از ایدئولوژی سازمان را تشکیل می‌دهند (حسینیان، جعفری و بهرامی نکو، ۱۳۸۹).

عواملی همچون تاریخ و مالکیت، فناوری، اهداف و مقاصد، محیط کاری سازمان، مذهب، آموزش و پرورش، خانواده و اقوام بر فرهنگ سازمان‌ها تأثیرگذار هستند (هال و میلدرد، ۲۰۰۸). اقتدار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، بیش از هر چیز در گرو برخورداری از فرهنگ سازمانی پویا، سازنده و کمال‌گرا است. از این روی، برای نیل به بالاترین درجه عزت و اقتدار ملی، احراز شناخت نسبت به جوهره فرهنگ این نیرو و چگونگی ارتقای آن، امری الزامی است. براین اساس، با نگاهی به اسناد بالادستی، می‌توان گفت: ویژگی‌های فرهنگی در سند چشم‌انداز سازمان ناجا شامل اقتدار ظاهری و معنوی، شایستگی و بایستگی سازمان در قبال جامعه و حکومت، هویت اسلامی کارکنان و سازمان، التزام عملی به شاخص‌های

مطلوب عملکردی در ارائه خدمات، اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی و ولایت‌مداری است (فرهی بوزنجانی و زارع اشکذری، ۱۳۹۱) و بر اساس مطالعات انجام شده، ویژگی‌های مردم‌داری، ارزش‌های اخلاقی و حمیت و تعلق سازمانی، به عنوان ویژگی‌هایی که بیشترین تأکید فرماندهان پلیس در کشور ما بر روی آن‌ها قرار دارد، شناخته می‌شوند (بوزنجانی فرهی، ۱۳۸۳).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای مثبت فرهنگی، ایجاد اعتماد در روابط اجتماعی است. پلیس به دلیل نقش و جایگاه محوری‌اش در جامعه و تعامل گسترده با طبقات مختلف اجتماعی، سازمانی است که در صورت کم‌کاری یا توجهی به ظرافت‌های فرهنگی، خسارات فراوان و جبران‌ناپذیری به پیکره نظام ارزشی وارد خواهد کرد، ضربه‌ای که در اثر کوتاهی در انجام وظایف به ساختار جامعه وارد می‌سازد جبران‌ناپذیر خواهد بود (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۷).

شهروندان هنگامی که در حین ارتکاب تخلف با برخورد خوب پلیس مواجه می‌شوند، ممکن است از لحاظ اخلاقی از کار خود پشیمان شوند. با عنایت به کثرت و تنوع مأموریت‌های نیروی انتظامی، پلیس می‌بایست با درک صحیح فرهنگ جامعه، از شهروندان در برقراری امنیت استفاده نماید؛ چرا که به تنهایی قادر نخواهد بود این مأموریت خطیر را به سرانجام رساند. ما پیش از آن‌که لب به سخن بگشاییم ظاهرمان اطلاعات زیادی را درباره سن، جنس، شغل، پایگاه و شخصیت ما در اختیار طرف مقابل می‌گذارد و حتی نوع لباسی که بر تن داریم علاوه بر ظاهر عوامل محیطی که در آن قرار گرفتیم نیز تأثیر زیادی بر روابط میان‌فردی ما دارد. لباسی که پلیس به تن دارد، نحوه پوشیدن آن و تجهیزاتی که به همراه دارد، حتی نحوه ایستادن، شیوه نگاه کردن، اخم کردن، حتی لبخند زدن، دست دادن و غیره، همگی از جمله زبان حرکات بدنی هستند و همگی در انتقال اقتدار پلیس نقش دارد و از این طریق شهروندان

قضاوت خودشان را درباره کفایت و حرفه‌ای بودن و شخصیت پلیس بیان می‌کنند که مجموعه این عوامل نشانگرهایی از فرهنگ پلیس می‌باشد (مرادی و احمدی، ۱۳۹۶). به این ترتیب، می‌توان به‌طور خلاصه گفت که مفهوم پلیس فرهنگی بر پلیسی اشاره دارد که ضمن شناخت ارزش‌ها، هنجارها و مسایل فرهنگی جامعه، خود نمونه کاملی از شهروند قانون‌مدار است که در رفتار و اقدامات خود، رفتارهای فرهنگی مناسب را بروز می‌دهد و در برخورد با مراجعان و مردم تلاش می‌کند تا مسایل فرهنگی را به نحو مقتضی رعایت کند.

مرور اجمالی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه پلیس فرهنگی و مسایل مرتبط با آن مانند پژوهش زارعی و مرادی (۱۳۹۶) با عنوان "بررسی منزلت اجتماعی و فرهنگی پلیس در تبیین رفتار پلیس با شهروندان (با رویکرد پلیس جامعه محور)"، نشان می‌دهد رمز موفقیت پلیس در کاهش جرائم و ارتقای سطح مشارکت مردم در برخورد مناسب با شهروندان می‌باشد و پلیس می‌تواند با نظم صحیح، نزاکت و با رفتار خردمندانه‌اش در تقویت فرهنگ خودکنترلی مردم نقش داشته باشد به‌گونه‌ای که شهروندان در نبود پلیس طبق ارزش‌ها، هنجارها و قوانین عمل نمایند همچنین، عشرتی پور (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان "تحلیل مردم شناختی رفتار فرهنگی پلیس با مردم" به این نتیجه رسید که با تغییر رویکرد پلیس به‌عنوان نهادی جدا از مردم به نهادی برخاسته از مردم و برای مردم، فعالیت‌های این نهاد از رویکردی صرفاً مبارزه‌محور در بخش جرائم و ناهنجاری‌ها به نهادی آموزش‌محور و پیشگیری‌محور در بخش جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی تبدیل گشته است. فعلی و ذوالفقاری (۱۳۸۸) در پژوهش خود با "عنوان تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی افراد روی میزان اعتماد آن‌ها به پلیس (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال ساکن شهر تهران)"، به این نتیجه رسیدند که میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی از

طریق نوع انتظاراتی که از پایگاه‌ها به وجود می‌آورد در میزان اعتماد به پلیس تأثیر دارد، به نحوی که کسانی که انتظارات آن‌ها از پلیس بیشتر برآورده شده است، بیشتر به پلیس اعتماد دارند. کمپيو (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان "بی‌تحركی فرهنگی در سازمان پلیس" به این نتیجه رسید که افسران نسل جدید برای پیشبرد جایگاه حرفه‌ای خود و حفظ حس اخلاق خود به عنوان پلیس مدرن، مسایل فرهنگی سنتی و نوین را باید در نظر بگیرند راینر (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "فرهنگ پلیس" به این نتیجه رسید که در مطالعات اولیه کلاسیک، فرهنگ پلیس را تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های افسران پلیس در تعامل دیالکتیکی با عوامل ساختاری ناشی از نقش پلیس شکل می‌دهد. فال (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "فرهنگ پلیس و هویت شخصی در آفریقای جنوبی" به این نتیجه رسید که فرهنگ پلیس حاصل ترکیب و هم‌پوشانی سه روایت ملی، سازمانی و شخصی است. موضوعات مشترک این روایت‌ها ستم و نابرابری شدید درآمد، ماهیت خشونت جرم و در واقع مسایل و مشکلات جاری در زندگی است. کوکروفت (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان "پلیس فرهنگ: تاریخ، عرف و افق‌های جدید" به این نتیجه رسید که در جامعه پلیس و کارکرد فرهنگی آن تغییر کرده است. اصل کلی مفهوم پلیس فرهنگی این است که ارزش‌های خاصی در میان افسران پلیس ظاهر می‌شود که بر نحوه انجام کار پلیس تأثیر می‌گذارد. کامپيو (۲۰۱۵) پژوهش خود با عنوان "فرهنگ پلیس در محل کار: ایجاد حس نظارت در پلیس"، به این نتیجه رسید که در مطالعات پلیس، فرهنگ پلیس اغلب بر اساس مجموعه‌ای از ارزش‌ها (محافظه‌کاری، همبستگی، سوءظن و غیره) نشان داده می‌شود. هسلوپ (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان "باز تولید فرهنگ پلیس در دانشگاه بریتانیا: یافته‌های یک مطالعه موردی اکتشافی درباره مدارج پلیس" به این نتیجه رسید که پلیس باید به‌طور مداوم با ذهن

و تفکری انتقادی، پرسش‌گر و چالش‌برانگیز به مسایل و چالش‌های پیش‌روی خود عمل کند.

تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چند دهه اخیر جوامع بشری بر رویکردهای پلیسی همانند سایر رهیافت‌ها اثر گذاشته و منجر به سیر تحول و بهبود در آن‌ها شده است. در شرایط کنونی پلیس در اکثر جوامع به دنبال جذب حداکثر مشارکت مردم و به خصوص جوانان بوده و تلاش می‌کند تا از این طریق بخشی از اقدامات مرتبط با امنیت و جلوگیری از وقوع جرائم را با مشارکت مردم انجام دهد و در این راستا، اقدامات فرهنگی از جمله رویکردهای مورد استفاده پلیس می‌باشد (پاولین، ۲۰۱۴). با توجه به اهمیت اجرای مناسب وظایف از سوی کارکنان نیروی انتظامی و تأثیرات آن در حوزه نظم و امنیت کشور و همچنین، تأثیر عملکرد صحیح سازمان‌های انتظامی در تأمین امنیت حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی سازمان‌های دیگر، کارکنان این سازمان باید توجه داشته باشند که ملزم به رعایت چه الگوهای رفتاری و ارزشی هستند. از سوی دیگر، با توجه به این‌که مفهوم پلیس فرهنگی جدید در حوزه پژوهش‌های پلیس است و کم‌تر پژوهشی بدان پرداخته است و غفلت از این مفهوم می‌تواند پیامدهای مختلفی برای پلیس در زمینه تعامل با مردم به همراه داشته باشد، این پژوهش به واکاوی و تبیین مفهوم پلیس فرهنگی می‌پردازد و به عبارت دیگر، سؤال و مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که مفهوم پلیس فرهنگی چیست؟

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های مروری است که در آن با استفاده از منابع اطلاعاتی معتبر مانند مقالات و کتب مختلف و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تبیین مفهوم پلیس فرهنگی پرداخته می‌شود. با توجه به این‌که پژوهش از نوع پژوهش‌های

مروری است جامعه پژوهش را مقالات، کتاب‌ها و آثار پژوهشی صورت گرفته در زمینه مفهوم، فرهنگ، پلیس و پلیس فرهنگی است که آثار مرتبط به صورت هدفمند انتخاب شده و پس از بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش به بررسی و تبیین مفهوم فرهنگ، ابعاد فرهنگ و در نهایت مفهوم پلیس فرهنگی پرداخته شد.

### یافته‌ها

به منظور پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر مفهوم‌شناسی پلیس فرهنگی، ضرورت دارد که ابتدا مفهوم فرهنگ و ابعاد مختلف فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته و تبیین گردد و در ادامه بر اساس مفاهیم مطرح شده، مقوله پلیس فرهنگی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. بدین منظور، یافته‌های پژوهش حاضر در دو بعد ارائه می‌گردد.

### فرهنگ

تأثیر فرهنگ بر زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان بر کسی پوشیده نیست و فرهنگ نقش خودش را در رفتار و انسان‌ها نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر، عوامل فرهنگی ممکن است به تنهایی تعیین کننده نباشد، ولی در کنار سایر عوامل می‌تواند به لحاظ شکلی و محتوایی بر جامعه تأثیر بگذارند و پلیس نیز به عنوان بخشی از بدنه مردم که وظایف و نقش بسیار مهمی در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی دارد، باید از مجموعه‌ای از شاخص‌های فرهنگی برخوردار باشد. به عقیده تیلور، فرهنگ مجموعه آموخته، پیچیده و نظام‌یافته‌ای از دانستنی‌ها، هنرها، باورها، آیین‌ها، حقوق و آداب‌ورسوم، منشأ خوبی‌ها و بسیاری چیزهاست که انسان از جامعه خودش کسب کرده است. فرهنگ، پویا و سیال است و هرگز ثابت نمی‌شود. فرهنگ ممکن است تحت مجموعه‌ای از شرایط اثرگذار بوده و یا اثرگذار نباشد (خلیلی، ۱۳۹۵).

هنگامی که گروه، سازمان و جامعه‌ای ایجاد می‌شود پایه‌های فرهنگ آن‌ها نیز پی‌ریزی می‌شود و در طول زمان و به مرور شکل می‌گیرد. کلمه، "culture" یکی از دو یا سه کلمات دشوار در زبان انگلیسی است که در انسان‌شناسی کاربرد دارد، از مردم‌شناسی اجتماعی اخذ شده است و به‌عنوان یک‌راه اقدام دیده می‌شود، به‌طورکلی‌تر، به‌عنوان یک روش زندگی است که تولید و بازتولید توسط فعالیت‌های انسانی و اغلب فعالیت‌های جمعی است، از سوی دیگر، محصول عمل انسان است و می‌تواند تبدیل به یک «اجبار» شود و در این راه می‌توانید شروع به نفوذ و شکل دادن به فرصت‌های بیشتر عمل نماید (بیستا، ۲۰۱۱). همچنین، واژه فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه خود فرا می‌گیرد (ره‌نورد و همکاران، ۱۳۹۰) و درنهایت از یک نسل به نسل دیگری منتقل می‌شود و تنها یک ماده از رفتار آشکار نیست بلکه قوانین، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی حاکم بر مردم است و با آن افراد تجربه خود را تفسیر و اعمال خود را هدایت می‌کنند (کندی، ۲۰۰۲).

### ابعاد فرهنگ

فرهنگ به‌عنوان واقعیتی عینی یا فرهنگ مادی: نظیر آثاری که تحقق پذیرفته‌اند، یا هر آنچه به‌عنوان حاصل یا نتیجه ارائه می‌شود. در این جا آنچه محسوس، ملموس و قابل اندازه‌گیری است، موردنظر می‌باشد. فرهنگ به عنوان واقعیتی که انسان‌ها با آن زندگی می‌کنند، مشارکت در سلسله اموری مستمر و با تحرک، هیأتی پرتحرک و متشکل از ارزش‌ها (مدل‌های فرهنگی) یا همان فرهنگ غیرمادی (صادق، ۱۳۹۴). تمایزگذاری فوق، متداول‌ترین و درعین‌حال، ساده‌ترین تمایزگذاری میان ابعاد مختلف فرهنگ است. باید توجه داشت که تمایزگذاری بین دو بعد مادی و غیرمادی



فرهنگ، تمایزگذاری دقیقی نیست؛ زیرا در فرهنگ مادی (تولیدات و مصنوعات بشری) جلوه‌های فرهنگ غیرمادی (معنوی) به وضوح قابل مشاهده است؛ فرهنگ غیرمادی نیز قابل بررسی نیست تا زمانی که به صورت مادی نمایان شود (جعفری و بگعلی زاده، ۱۳۹۶).

مالینوفسکی برای فرهنگ سه بعد تفکیک‌ناپذیر قائل است که شامل ۱- پایه مادی فرهنگ؛ اشیاء و ابزاری که بر روی آن‌ها کار انجام گرفته است، ۲- پیوندهای اجتماعی انسان؛ شیوه رفتار پذیرفته شده ۳- اعمال سمبلیک (روح الامینی، ۱۳۸۲). گی روشه نیز برای فرهنگ دو وجه عینی و وجه نمادی قائل است. وجه عینی فرهنگ از دیدگاه گی روشه، شامل حالات تفکر، احساس و اعمالی است که اشخاص به‌طور مشترک دارا هستند و بین آن‌ها روابطی ایجاد می‌کند که هریک آن را واقعی احساس می‌کنند. این شاخص مشترک برای هریک از اشخاص و برای همه آن‌ها، به همان وضوح واقعیت‌های محسوس‌تر دیگری که آن‌ها به‌طور اشتراکی دارا هستند (مثلاً سرزمین، ساختمان‌های عمومی، آثار، بناها و کالاهای مادی و غیره) یک واقعیت عینی به‌شمار می‌رود و پیوستگی با فرهنگ، دائماً به وسیله هر یک از اعضا و همه جمع تأیید می‌شود (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۹۴).

در دهه‌های اخیر، فرهنگ به صورت مفهوم اصلی انسان‌شناسی اجتماعی درآمده و معنی بسیار وسیع‌تری پیدا کرده است. از این لحاظ مهم‌ترین تعریف متعلق به مالینوفسکی است که فرهنگ را مشتمل بر افزار، کالاها، فرایندهای فنی، عقاید، عادات و ارزش‌های موروثی می‌داند. او ساخت اجتماعی را نیز در داخل مفهوم فرهنگ جای می‌دهد؛ زیرا معتقد است ساخت اجتماعی را حقیقتاً نمی‌توانیم بشناسیم مگر این‌که آن را جزئی از فرهنگ به‌شمار آوریم. مهم‌ترین خصیصه استفاده مالینوفسکی از این واژه، درک او از فرهنگ به‌عنوان کل یکپارچه است که در

داخل آن، مطالعه کارکردهای اجزای مختلف (نهادهای) ممکن می‌باشد (عیوضی، ۱۳۸۶). به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که اساساً فرهنگ از سه منبع باورها، ارزش‌ها و مفروضات بنیان‌گذاران سازمان، تجربیات یادگیری اعضای گروه و در نهایت باورها و مفروضات جدیدی که اعضا و رهبران جدید به همراه می‌آورند، نشأت می‌گیرد (بوزنجانی و نجفی، ۱۳۸۹).

### پلیس فرهنگی

سازمان پلیس به‌عنوان یکی از سازمان‌های گسترده و با حجم انبوهی از وظایف و مأموریت‌های سازمانی، یکی از سازمان‌هایی است که به لحاظ نوع کاری در معرض بیش‌ترین آسیب‌های مادی- معنوی و انسانی هنگام اجرای وظایف سازمانی در راستای تأمین امنیت شهروندان قرار دارد و سالانه خسارت‌های هنگفت و بعضاً جبران‌ناپذیری را هنگام اجرای مأموریت‌ها متحمل می‌شود (ایرانمنش و میرزایی کهن، ۱۳۹۵). برای کاهش این خسارت‌ها و بهبود تعامل میان پلیس و مردم، ارتباط مردمی امروزه در اجتماعات بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. راهبرد ارتباط مردم و پلیس در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نشان‌دهنده روح دموکراسی و مردم‌سالاری حکومت و دولت‌ها است و بدون وجود اعتماد مردم به پلیس جلب همکاری و ارتباط آن‌ها غیرممکن است و در این شرایط برقراری امنیت تنها با زور و اجبار و آن هم برای مدتی کوتاه و گذرا امکان‌پذیر است؛ پس یکی از طرح‌های ایجاد محیط امن و تأمین احساس امنیت مردم جلب اعتماد آن‌ها به پلیس و همچنین، اعتماد پلیس به مردم است که لزوم توجه به رویکرد پلیس فرهنگی را ضروری می‌سازد.

پلیس با توجه به گستره فعالیت و مسؤولیت خود، به‌عنوان سازمانی که تعامل مستقیمی با مردم داشته و ملزم به برخورد با مجرمین می‌باشد باید از مجموعه

روش‌ها و رویکردها برای ارتباط و برخورد با افراد استفاده کند که رویکرد پلیس فرهنگی می‌تواند در این زمینه مفید باشد. رویکرد فرهنگی پلیس در پیشگیری از جرائم و مواجهه با مردم بر خودانضباطی و خودنظارتی تأکید دارد که گام نخست تحقق این هدف تربیت نیروهایی است که خود از این ویژگی‌ها برخوردار باشند و نقش الگویی خود را به خوبی ایفا کنند (هسلوپ، ۲۰۱۱). اساس و پایه پیشگیری پایدار و مستمر، مبحث انضباط اجتماعی در قالب مفهوم خود انضباطی است؛ انضباطی که نه با اجبار قانون و دستور پلیس بلکه به صورت خودکار توسط افراد جامعه ایجاد شود و یکی از راه‌های تحقق خودانضباطی، توسعه فرهنگی همه‌جانبه مردم و پلیس است که امنیت اجتماعی پایدار را موجب می‌گردد (کریمی خوزانی، ۱۳۹۵) که تحقق این مهم در صورت وجود تعامل مثبت پلیس و مردم، برخورداری پلیس از فرهنگ مناسب و ایجاد اعتماد بین مردم، تسهیل خواهد شد.

توجه به رویکرد فرهنگی در امور مختلف و به خصوص در حوزه فعالیت‌های پلیس سبب توانایی جامعه و نشانه زنده بودن و پویا ماندن اعضای آن در مسیر هولناک حیات اجتماعی می‌گردد. رفتار فرهنگی بقا و دوام ملت‌ها را تضمین می‌کند و از زندگی آن‌ها در برابر تهاجمات بی‌رحمانه فرهنگی، مداخلات سیاسی و تجاوزهای نظامی کشورهای بیگانه محافظت می‌کند. این نکته در بین کارکنان پلیس نیز می‌تواند منشأ بسیاری از اقدامات اثرگذار گردد که حاصل آن تعامل، احترام و اعتماد متقابل بین پلیس و مردم و کمک به جامعه در رسیدن به اهداف اجتماعی و سیاسی می‌باشد.

پلیس فرهنگی به مجموعه چارچوب‌های متغیر یا ثابت خاص فرهنگی که به رفتار پلیس در محیط‌های مختلف در درون و بین سازمان‌های پلیس در مواجهه با مراجعین جهت می‌دهد، اشاره دارد (کمپیو، ۲۰۱۵). فرهنگ پلیس کنش متقابل را

شکل می‌دهد و بیان، زبان و کلام پلیس اولین و مهم‌ترین ابزار پلیس برای ایجاد ارتباط و انتقال خواسته‌هایش از مردم می‌باشد. پلیس از طریق ایجاد کنش متقابل صحیح بین خود و مردم می‌تواند به خواسته‌ها و اهداف سازمان نیروی انتظامی دست یابد یعنی به عبارتی بین کاهش جرائم یا افزایش و یا کاهش سطح اعتماد عمومی نسبت به سازمان پلیس رابطه مستقیم وجود دارد (کوکرفت، ۲۰۱۷). پس اساس موفقیت پلیس در کاهش جرائم، مشارکت مردم بوده که این مهم از طریق برقراری ارتباط صمیمانه با مردم ایجاد می‌شود. پلیس نیز به عنوان عضوی از اعضای جامعه می‌بایست برای اجرای دقیق مأموریت و وظیفه ذاتی خویش و موفقیت در این امر حتماً جامعه و مردم جامعه خویش را شناخته و آنان را درک کند تا بتواند با عجزین شدن با آنها به بهبود رفتارهای خود و مردم کمک کند که این مهم از طریق درک فرهنگ جامعه و بهبود وضعیت فرهنگی کارکنان پلیس ممکن می‌باشد. مأموران پلیس می‌بایست با تدبیر خویش احساس ما بودن را در افراد جامعه تقویت نمایند (زارعی و مرادی، ۱۳۹۶).

### بحث و نتیجه‌گیری

برای پاسخ به سؤال پژوهش در زمینه مفهوم پلیس فرهنگی، ابتدا به بررسی مفهوم فرهنگ پرداخته شد. بررسی ادبیات نظری در زمینه فرهنگ نشان داد که فرهنگ به عنوان مفهومی گسترده دارای تعاریف و برداشت‌های مختلفی است. ابعاد فرهنگ از منظر برخی صاحب نظران به دو بعد مادی و معنوی تقسیم شده است و برخی نیز فرهنگ را شامل ابعاد سه‌گانه ارزشی، مادی و قانونی می‌دانند. پلیس نیز به عنوان یکی از سازمان‌های تأثیرگذار در برقراری نظم و امنیت در جوامع مختلف جایگاه مهمی دارد و کشورهای مختلف در تلاش برای ارتقای همه‌جانبه این سازمان و کارکنانش می‌باشند. ارائه یک مدل شخصیتی به پلیس به تعداد زیادی تئوری‌های

شغلی، نظریه‌های شخصیتی، تجارب مشخص و بی‌همتای پلیس بستگی دارد و مطابق نظر برخی سازمان‌های پلیس، چهار استاندارد بازده و شایستگی حرفه‌ای، تعهد به شغل، ارتباط با جامعه و همکاران، تمایل به یادگیری و انعطاف‌پذیری در اوضاع و احوال گوناگون برای شخصیت شایسته پلیس بیان شده است.

نتایج پژوهش برای پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر تبیین مفهوم پلیس فرهنگی نشان داد که فرهنگ مقوله‌ای گسترده و پویا است که ابعاد مختلفی دارد. در سازمانی همچون پلیس که دامنه فعالیت آن بسیار گسترده است و نیروی پلیس با آحاد مختلف مردم در تعامل می‌باشد (فال، ۲۰۱۷) فرهنگ با تمام ابعاد و مؤلفه‌های آن بر مفهوم پلیس فرهنگی سایه انداخته است و یک پلیس فرهنگی باید از تعامل و گفتگو با مردم گرفته تا زبان و قومیت‌های مختلف را به خوبی بشناسد و بتواند به نحو مناسبی رفتارهای فرهنگی را از خود بروز دهد (بخشایشی بایقوت، ۱۳۹۱). در عوامل مؤثر شکل‌گیری و تکوین مفهوم پلیس فرهنگی عوامل سازمانی مانند شایسته‌سالاری، وضعیت معیشت نیروها و توجه به مسایل مختلف مادی کارکنان، قانون‌گرایی و حتی وضعیت لباس و تجهیزات پلیس نقش دارند. پلیسی که در سازمان خود احساس بی‌عدالتی کند و شایسته‌سالاری را در سازمان مشاهده نکند، در رفتار و تعامل خود با همکاران و همچنین، مردم دچار مشکلاتی می‌شود که نمی‌تواند یک پلیس فرهنگی به معنای واقعی کلمه باشد. اگر در سازمان و ساختار پلیس، سازوکارهای لازم برای تشویق نیروها جهت ادامه تحصیل و کسب دانش، آموزش و یادگیری مداوم به منظور بهبود عملکرد و افزایش سطح فرهنگ کارکنان وجود داشته باشد و پیش‌بینی گردد، می‌تواند در آینده به توسعه سطح فرهنگی نیروها کمک کند.

در تبیین یافته سؤال اصلی پژوهش می‌توان گفت که پلیس فرهنگی را می‌توان فردی دانست که از مهارت‌ها و توانمندی‌هایی همچون آشنایی با حقوق شهروندی و رعایت حقوق شهروندی مردم، مسؤولیت‌پذیری پلیس در ابعاد مختلف، احترام به هنجارها و باید و نبایدهای فرهنگی جامعه، وجود نظم در رفتار و پوشش پلیس، تعامل با مردم، آشنایی با قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف و قانون‌مداری برخوردار باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد در شاخص‌هایی از قبیل قانون‌گرایی، شایسته‌سالاری و توجه به معیشت کارکنان اقداماتی مانند توجه به وضعیت اقتصادی، درآمد و حتی لباس و مایحتاج ضروری کارکنان و حاکم نمودن قانون‌گرایی و شایسته‌سالاری اقدام گردد و آموزش مؤلفه‌های پلیس فرهنگی و شاخص‌های فرهنگی در بین نیروهای پلیس و همچنین، مردم محله‌ها به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- ایرانمنش، محمد حسین و میرزایی کهن، علی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه ابعاد روانشناختی توانمندسازی با فرهنگ ایمنی سازمان پلیس. نظارت و بازرسی؛ ۳۶(۱۰): ۹۷-۱۱۶.
- الوانی، سید مهدی و دانایی‌فرد حسن. (۱۳۸۷). مدیریت دولتی و اعتماد عمومی. دانش مدیریت؛ ۱۴(۵۵): ۲۷-۵.
- بخشایشی بایقوت، محرم. (۱۳۹۱). رویکرد جامعه محوری پلیس در پیشگیری از جرم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق، گروه جزا و جرم‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی.

بهرامی، محمدرضا. (۱۳۹۶). رابطه فرهنگ سازمانی با میزان پایبندی به اصول هفتگانه نهضت صلیب سرخ در جمعیت هلال احمر استان قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی گرایش تحول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

جعفری، علی و بگعلی زاده، پیمان. (۱۳۹۶). نقش رسانه‌های جمعی در ایجاد اعتماد مردم به پلیس. جامعه فرهنگ رسانه؛ ۶(۲۵): ۱۱۵-۱۴۰.

حسینیان، شهامت؛ جعفری، محمد؛ بهرامی نکو، محمد. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر توانمندسازی کارآگاهان پلیس آگاهی فاتب. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی ۳(۳): ۱۸-۳۲.

خلیلی، علی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه فرهنگ سازمانی با عملکرد سازمان با تأکید بر تکنیک کیفیت (مورد مطالعه: سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران)، دانشگاه شاهد دانشکده علوم انسانی، گروه مدیریت بازرگانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی، گرایش منابع انسانی

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران.

دهقانی، محمد. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی پلیس در قبال نقض حقوق شهروندان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه حقوق، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی.

راد، مژگان. (۱۳۸۰). نقش و وظیفه پلیس، ترجمه راحله الیاسی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱۰، ۱۲۲-۱۴۱.

رهنورد آهن، فرج الله؛ زارع پور، فضل الله؛ کاظمی، مهدی. (۱۳۹۰). ارزیابی فرهنگ یادگیری در صنایع کشور، ماهنامه مهندسی فرهنگی؛ ۵(۵۱): ۷۲-۸۳.

روح الامینی، محمود. (۱۳۸۲). فولکلور، جبهه ای نو در فرهنگ شناسی ایران. به اهتمام محسن مهر آبادی و دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه، تهران: چاپ اول.

زارعی، مصطفی و مرادی، اصغر. (۱۳۹۶). بررسی منزلت اجتماعی و فرهنگی پلیس در تبیین رفتارپلیس با شهروندان (با رویکرد پلیس جامعه محور). دانش انتظامی بوشهر؛ ۸(۲۸): ۱-۱۵.

صادق، مریم. (۱۳۹۴). رابطه فرهنگ با کارآفرینی دانشجویان علوم تربیتی دانشگاه الزهرا (س)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، مدیریت آموزشی

- صالحی امیری، سیدرضا و اشرفجو، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مؤلفه‌های فرهنگی با ارتقا زنان در مشاغل مدیریتی، مجله مدیریت فرهنگی؛ ۶(۱): ۱۶-۱۷.
- طباطبایی مؤمنی، منوچهر. (۱۳۸۴). حقوق اداری، انتشارات سمت.
- عشرتی پور، مهدی. (۱۳۹۵). تحلیل مردم شناختی رفتار فرهنگی پلیس با مردم مطالعه موردی: منطقه ۱۲ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم اجتماعی.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۶). فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول. زمانه؛ ۶(۵۸): ۳۷-۲۴.
- فرهی بوزنجانی، برزو و زارع اشکذری، جلال‌الدین. (۱۳۹۰). فرهنگ سازمانی و پلیس. تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- فعلی، جواد و ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی افراد روی میزان اعتماد آن‌ها به پلیس (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال ساکن شهر تهران). انتظام اجتماعی؛ ۱(۳): ۱۶۶-۱۴۱.
- کریمی خوزانی، علی. (۱۳۹۵). احصاء راهبردهای توسعه فرهنگی پلیس در تحقق نظم ارگانیک (نظم پویا)، (مطالعه تحقق پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی با نگاه نظری به رویکرد مردم‌گرا در توسعه نوین و نظریه پلیس جامعه‌محور). دانش انتظامی همدان؛ ۳(۱۰): ۲۴-۱.
- مرادی، سالار و احمدی، یعقوب. (۱۳۹۶). فرهنگ سیاسی دانشجویی و مشارکت پلیس محور (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور سنندج). دانش انتظامی؛ ۱۹(۷۷): ۱۶۲-۱۶۳.
- هارجی، اون-ساندرز و دیکسون. (۱۳۸۲). مهارتهای اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، انتشارات رشد.

Biesta.G(2011) From Learning Cultures to Educational Cultures: Values and Judgements in Educational Research and Educational Improvement, Business Media. Vol. 43,Pp:199-210.

Campeau, H. (2019). Institutional myths and generational boundaries: cultural inertia in the police organisation. Policing and Society, 29(1), 69-84.

Campeau, H. (2015). 'Police culture' at work: Making sense of police oversight. British journal of criminology, 55(4), 669-687.



- Cockcroft, T. (2017). Police Culture: Histories, Orthodoxies, and New Horizons.
- Faull, A. (2017). Police Culture and Personal Identity in South Africa. *Policing: A Journal of Policy and Practice*, 11(3), 332-345.
- Garner, B. (2004). *Black's Law Dictionary*, 8th edition, West Publishing Company, USA, see: police.
- Hall, E. T., & Hall, M. R. (1990). Understanding cultural differences: [Germans, French and Americans] (Vol. 9). Yarmouth, ME: Intercultural press.
- Heslop, R. (2011). Reproducing police culture in a British university: Findings from an exploratory case study of police foundation degrees. *Police Practice and Research*, 12(4), 298-312.
- Kennedy, P. (2002). Learning cultures and learning styles: myth understandings about adult (Hong Kong) Chinese learners, *LIFELONG EDUCATION*, VOL. 21, NO. 5, 430-445
- Paoline III, E. A. (2014). Police culture. In *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice* (pp. 3577-3586). Springer New York.
- Reiner, R. (2017). Is Police culture cultural?. *Policing: A Journal of Policy and Practice*, 11(3), 236-241.